

نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان

فریبا دیندارلو^۱، فاطمه محمودی^۲، مهرانگیز کشاورزی^۳

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور شیراز، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور شیراز، ایران

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور شیراز، ایران

چکیده

بی شک خانواده، مهمترین و اصلی ترین نهاد تربیتی جامعه است و نخستین آموزشگاه و پرورشگاه فرد محسوب می شود. از آن جا که تحصیلات والدین می تواند نقش مهمی در امر تربیت فرزندان داشته باشند و والدین تحصیل کرده به دلیل احراز مشاغل بهتر و مفیدتر به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بالاتر و محیط و موقعیت بهتری برخوردار خواهند بود و برخورداری از موقعیت خوب اجتماعی به نوبه خود تأثیر روی نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس امنیت و اعتماد به نفس آنها می شود و در نتیجه بهتر می توانند با محیط خود ارتباط برقرار کنند و همین امر موجب رشد و شکوفایی استعداد آنها می شود.

البته تحصیلات به تنهایی نمی توانند عامل پیشرفت فرد محسوب شود. اما از آنجا که تحصیلات می تواند موجب آگاهی بیشتر و قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی، اقتصادی بالاتر می گردد و نیز در تحقیقات ثابت شده که شغل و سطح اجتماعی والدین نیز رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارند. بنابراین ملاک انتخاب تحصیلات والدین و تأثیری که بر روی پیشرفت تحصیلی فرزند آنها می گذارد به این دلیل منظور شده است که خانواده های با تحصیلات بالاتر فرزند کمتری دارند و بنابراین بهتر می توانند با آنها در ارتباط باشند. معمولاً وقت بیشتری برای رسیدگی به مسائل آنها را دارند.

واژه های کلیدی: فرزندان، سواد، والدین

مقدمه

خانواده اولین بذر تکوین رشد فردی و بنای شخصیت در انسان را فراهم می سازد. کودک در خانواده زبان می آموزد و ارزش های اخلاقی را کسب می کند، روابط اجتماعی با دیگران را می آموزد و اصول و قواعد اخلاقی را یاد می گیرد. خانواده به عنوان فیلتری برای عقاید، ارزش ها و نگرش های مربوط به فرهنگ یک خانواده محسوب می شود و آنها را به یک شیوه بسیار اختصاصی و انتخابی به کودک ارائه می دهد. بی تردید باید گفت شخصیت، نگرش ها، طبقه اجتماعی، اقتصادی و مذهب و خصوصیات و وابستگی های نسبی خانوادگی، تحصیل و جنس والدین خانواده بر نحوه ارائه ارزش ها و میزان اخلاقی به فرزندان تاثیر خواهد گذاشت (مختاری، ۱۳۹۵) یکی از عوامل که بر پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر بسیار موثر می گذارد سطح تحصیلات والدین می باشد سطح تحصیلات والدین یکی از عوامل مقبولیت پیشرفت بشر در جهان امروز است پیشرفت تکنولوژی، صنعت، بهداشت، و علوم مختلف مدیون این عامل مهم است هر کشوری برای اینکه به بهترین پیشرفت در علم دست یابد به والدینی نیاز دارد که با درک عمیق به همه مسائل راه درست و صحیح به فرزندشان نشان دهند که جز در سایه والدین با سواد میسر نمی شود. تنها جوامعی توانسته اند که تمام مشکلات خود را در زمینه های تغذیه، پوشاک، بهداشت و آموزش از میان بردارند که از سطح سواد بالا برخوردار باشند.

پیشرفت تحصیلی:

تعریف: از پیشرفت تحصیلی تعاریف زیر ارائه شده است:

- مقدار دستیابی دانش آموز به هدف های تربیتی که معمولاً در حیطه شناختی و در یک موضوع درسی خاص است، می باشد (خوی نژاد، ۱۳۷۴).
- تعیین مقدار یادگیری دانش آموزان در طول یک نیمسال تحصیلی و یکسان تحصیلی که بوسیله یک آزمون در پایان دوره آموزشی اندازه گیری می شود. (شعبان سیجانی ۱۳۷۴)
- مقدار یادگیری آموزشگاهی فرد به صورتی که توسط آزمون های مختلف دروسی مانند ریاضی، علوم و. . . سنجیده می شود. (شلویری ۱۳۷۷)

مفهوم سواد:

در ابتدای عصر چاپ، سواد به معنای توانایی خواندن، نوشتن و درک کردن بود. در آن روزگار، اطلاعات مترادف با دانش بود و دانش عاملی برای کسب قدرت محسوب می شد. از این رو تنها گروهی اندک و عموماً صاحبان قدرت و ثروت می توانستند به این منبع قدرتمند دست یابند تا آن که در سال ۱۹۵۰ «سواد» به منزله یک حق قانونی، عمومی و جهانی در یونسکو تصویب و به جهانیان عرضه شد. در اعلامیه جهانی یونسکو «سواد» به معنای توانایی لازم برای کاربرد صنعت چاپ در تمام عرصه های زندگی تفسیر شد. به

تعبیری دیگر توانایی خواندن و نوشتن برای همه. بنابر این، اگر فردی می‌توانست نام خود را بنویسد و امضا کند، با سواد تلقی می‌شد.

«برویک و گئی» اظهار می‌دارد که اهداف فردی و اجتماعی در طول زمان منجر به وسیع شدن معنای سواد شده‌اند. به همین دلیل در عصر چاپ به دلیل نیازهای فردی و اجتماعی سواد از انحصار گروه نخبگان و قدرتمندان جامعه خارج شده و برای تمام اقشار جامعه معنا می‌شود. ازاین رو، از نظر ایشان، سواد آینه توسعه نیازهای اطلاعاتی جامعه است. بدین ترتیب «سواد» مفهومی پویا است. «کندی» نیز در سال ۱۹۹۳ می‌گوید، سواد در واقع با نیازهای اطلاعاتی جامعه در هر زمان، مرتبط است (افروز، ۱۳۸۹).

تعلیم و تربیت فرزند

حساس‌ترین وظیفه والدین، تربیت کردن و بار آوردن فرزند است تا مطابق استعداد فطری و سرشتی و توان و نیروی بدنی خود، مراحل آموزش و تعلیم و فراگیری را طی کند و تصحیح یابد و به صورت مفید و موثر وارد اجتماع شوند و با ایمان و اطمینان به آینده خود، زندگی سرشار با موفقیت و سرور شادی و خرسندی خاطر را شروع کنند.

یکی از مباحث مهم در قلمرو روانشناسی و علوم تربیتی، بررسی نقش تربیتی و آموزش اولین مربیان و معلمان کودک (پدر و مادر) از همان ابتدای اندیشه فرزند آوری است چرا که شخصیت افراد در خانه و کانون خانواده شکل می‌گیرد تولد فرزند در خانواده بزرگترین موهبت و فرزند هدیه خداوندی است لذا مهمترین رسالت والدین تعلیم و تربیت صحیح و شکوفا ساختن استعدادهای بالقوه این امانت الهی است.

بی‌شک خانواده، مهمترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است و نخستین آموزشگاه و پرورشگاه فرد محسوب می‌شود از این رو بیان هر گونه سختی درباره تربیت کودک و نوجوان بدون توجه به نقش حیاتی خانواده سختی نادرست و ناتمام قلمداد می‌گردد بزرگترین مسئولیت والدین تلاش در جهت تعلیم و تربیت صحیح فرزندان می‌باشد. بیشترین والدین پرورش کودک را امری ساده تلقی می‌کنند آنها بر این باورند که هر کس می‌تواند از عهده این امر مهم برآید اما می‌توان گفت که هر کاری به خصوص تربیت کودک نیاز به آگاهی و آشنایی، به نحوه عملکرد و اصول آن دارد والدین بایستی با ظرافت و حساسیت خاصی و با به کار بستن شیوه‌های آموزش صحیح شکلی مناسب به شخصیت، رفتار و عادت‌های کودک خود بدهند پس شکل‌گیری شخصیت بسیار دشوار است و احتیاج به مهارت زیاد و دقت بیشتری دارد والدین باید بدانند چگونه با کودک خود رفتار کنند نیازهایش را برآورده و به تکامل و پیشرفت همه جانبه او کمک کنند. (عطاران، ۱۳۸۵)

خانواده به عنوان الگو و معلم

بی تردید باید گفت خانواده نقش مهمی در الگو شدن و آموزش دادن رفتارها و میزان‌های اخلاقی و اجتماعی و میزان تحصیلات و سواد سرمشق قرار گیرنده‌ها گونه ارتباط و وابستگی فرزندان به والدین و یا والدین با یکدیگر به عنوان پایه ای برای ارتباط اجتماعی بعدی فردی می‌تواند مورد الگو و سرمشق قرار گیرند. کودک سخن گفتن، آداب و معاشرت، راه رفتن، غذا خوردن، طرز لباس پوشیدن، و... را از والدین الگو می‌گیرد. حال اگر والدین بی‌سواد باشند نمی‌توانند الگوی مناسبی برای فرزند خود باشند. (مختاری، ۱۳۹۵) اصولاً در روان‌شناسی کودک، خصوصاً در سال‌های قبل از دبستان رفتار کودک به عنوان آینه ای از رفتار والدین به حساب می‌آید.

آلبرت باندورا و ریچارد والتزر، دو محقق روان‌شناسی که به یادگیری کودک از طریق مشاهده و تقلید از والدین اهمیت زیادی می‌دهند در یک تحقیق رفتار والدین و رفتار فرزندان آنها را مورد مقایسه قرار دادند آنها چنین نتیجه گرفتند که: کودکان پرخاشگر دارای والدین پرخاشگر هستند و کودکان گوشه گیر دارای والدین گوشه گیر و منزوی می‌باشند. (کریمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲).

محیط خانواده

تجربه و آگاهی اولیه کودکان از انسان‌های دیگر در بافت خانواده شکل می‌گیرد به علاوه کیفیت فرآیندهای دلبستگی و پیوند میان والدین و نوزاد در ماه‌های اولیه زندگی، برای بهداشت، هیجانی فرد بسیار مهم و حیاتی است خانواده مرحله ای مهم برای یادگیری درباره دین بوده و اجتماعی شدن کلی در آن روی می‌دهد. خانواده به عنوان در دسترس ترین سیستم حمایتی کودکان مد نظر قرار می‌گیرد. در نتیجه هر آنچه که این سیستم حمایتی را کمرنگ نماید (مانند تغییرات دوران بلوغ، جدایی پدر و مادر یا به ویژه سبک خانواده منفی)، عوارض جانبی، برای کارکردهای کودک، انطباق و هویت یابی او ایجاد می‌کند. (حیدری، ۱۳۸۵).

خانواده محل اولین روابط عاطفی و اجتماعی کودک و نوجوان است. فرزندان اصولاً در چارچوب محیط خانوادگی و برحسب الگوهای رفتاری والدین خود است که توقعات زندگی را می‌شناسند سبک‌های تربیتی خاصی که والدین تحصیل کرده‌اند انتخاب و اعمال می‌کنند شخصیت کودکان را شکل می‌دهد الگوهای هم‌چون پدر و مادر در سال‌های اولیه رشد و پرورش فرزندان در محیط خانه بیشترین تأثیر را داراست. محلی که در آن کودک تربیت و آموزش می‌بیند بسیار حائز اهمیت بوده و والدین باید سعی بر آن دارند که محیط را کاملاً گرم و صمیمی و زمینه‌هایی برای پرورش و رشد استعداد‌های فرزندان خویش فراهم و به طور کلی زمینه پیشرفت تحصیلی آنها را فراهم سازند. (افروز، ۱۳۸۹)

خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت محبت و امنیت یک از اساسی ترین ملزومات برای تربیت و رشد کودک می‌باشد. کودکی که خصوصاً در سال‌های اولیه زندگی از محبت خانوادگی و پدر و مادر محروم

گردد ممکن است در آینده سازگاری شخصی و اجتماعی او با خطر جدی روبرو شود و از اعتماد به نفس کافی و یا برخوردهای اجتماعی متناسب بهره مند نگردد.

کودک نیاز به تامین امنیت را از رحم مادر آموخته است. او بعد از تولد همچنان می خواهد که در محیط امن و آرام باشد و اساسی ترین وظیفه خانواده خصوصاً در دوران قبل از دبستان بر آوردن همین نیاز کودک می باشد. خانواده حتی این نقش مهم را در دوره های دیگر زندگی همچنان حفظ می کند. دوستان، معلمان و همبازیهای کودک در طول زندگی ممکن است تغییر کنند ولی والدین، تماس نزدیک خود را با کودک در طول زندگی حفظ می کنند و نقش یک نهاد ثابت و پابرجا را برای کودک ایفا می کنند. (کریمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲).

در گذشته طبقات پایین اجتماعی کمترین رغبت را برای آموزش و پرورش رسمی داشتند. فرض جامعه نیز بر این بود که آنان در پایه های تحصیلی پایین تری ترک تحصیل خواهند کرد از بیشترشان انتظار می رفت که مثل پدران و دوستان پدرانشان. کارگران دستی غیر ماهر یا نیمه ماهر با آید. بعلاوه. بیشتر خانواده های محروم در محله های پرجمعیت و یا در محله های دوردست، که بیشتر از خانواده ای زندگی می کند که مردم آن، اهل علم و ادب هستند و در آنجا علاقه و رغبت به بحث و گفتگو در باره اندیشه های نو، اختراعات و اکتشافات جدید وجود دارد، بیشتر از کودکی که در خانه وی در باره کتاب ها یا موضوع ها و اکتشافات جدیدی صحبت نمی شود آماده شرکت در بحث ها، درک مسائل جدید و احیاناً هماهنگی و سازگاری با آنها خواهد بود.

در هر حال کودکانی که والدین آنها از تحصیلات خوبی برخوردارند، احتمالاً بیشتر از سایر کودکان علاقمندتر خواهند بود که در تحصیلات خود توفیق داشته باشند. نوعی زندگی خانوادگی نیز روی یادگیری کودک موثر است. مثلاً کودکی که با خانواده خود به بیشتر جاها مسافرت می کند. بیشتر از کودکی که تجارب مسافرتی کم و محدود دارد، به مطالعات اجتماعی، تاریخ و جغرافیا آمادگی دارد.

تحصیلات والدین

از آن جا که تحصیلات والدین می تواند نقش مهمی در امر تربیت فرزندان داشته باشند و والدین تحصیل کرده به دلیل احراز مشاغل بهتر و مفید تر به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بالاتر و محیط و موقعیت بهتری برخوردار خواهند بود و برخورداری از موقعیت خوب اجتماعی به نوبه خود تأثیر روی نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس امنیت و اعتماد به نفس آنها می شود و در نتیجه بهتر می توانند با محیط خود ارتباط برقرار کنند و همین امر موجب رشد و شکوفایی استعداد آنها می شود. درحالی که کودکی که والدین وی تحصیلات خوبی ندارند نه تنها نمی توانند به وجود آنها افتخار کنند بلکه در خود احساس حقارت می کنند. و ارتباط و تعامل آنها از سایرین کمتر است. البته تحصیلات به تنهایی نمی توانند عامل پیشرفت فرد محسوب شود. اما از آنجا که تحصیلات می تواند موجب آگاهی بیشتر و قرار گرفتن در

وضعیت اجتماعی، اقتصادی بالاتر می‌گردد و نیز در تحقیقات ثابت شده که شغل و سطح اجتماعی والدین نیز رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارند. بنابراین ملاک انتخاب تحصیلات والدین و تأثیری که بر روی پیشرفت تحصیلی فرزند آن‌ها می‌گذارد به این دلیل منظور شده است که خانواده‌های با تحصیلات بالاتر فرزند کمتری دارند و بنابراین بهتر می‌توانند با آنها در ارتباط باشند. معمولاً وقت بیشتری برای رسیدگی به مسائل آن‌ها را دارند.

پیشرفت تحصیلی به عوامل متعددی بستگی دارد تقسیم بندی های متفاوتی از آن به عمل آمده است در یکی از این تقسیم بندی‌ها تفاوت های فردی و عوامل مربوط به مدرسه نظام آموزش و پرورش را بعنوان دو مقوله کل از عوامل تاثیر گذار بر پیشرفت تحصیلی نام می‌برد (شلویری ۱۳۷۷) در تقسیم بندی دیگر علاوه بر موارد مذکور به شرایط محیطی و اقتصادی_اجتماعی خانواده نیز اشاره شده است (رحیمی نژاد ۱۳۷۲) حتی بعضی از پژوهش‌ها سهم هریک از عوامل را در پیشرفت تحصیلی معین کرده اند بعنوان مثال: سهم توانایی های فردی در حدود ۲۵٪ از واریانس را به خود اختصاص می‌دهد (فراهانی ۱۳۷۲) به طور کلی متغیر های شناختی مجموعاً ۷۰٪ و سایل متغیرها از قبیل عوامل محیطی اجتماعی و عوامل موقعیتی مجموعاً ۳۰٪ از واریانس را به خود اختصاص داده اند (فراهانی ۱۳۷۲) به نظر سرلیسک و پروکس متغیرهای غیر شناختی زیرپا پیشرفت تحصیلی در سطح دانشگاه مرتبط هستند خودپنداره مثبت، ارزشیابی واقعی از خود، ترجیح اهداف بلندمدت از اهداف کوتاه مدت، دسترسی به افراد ذی نفوذ، تجربه رهبری موفقیت آمیز و خدمت اجتماعی آشکار (سیسختی، ۱۳۶۶) به طور کلی عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی عبارتند از: هوش (رحیمی نژاد ۱۳۶۹) انگیزش (شلویری ۱۳۷۷) خصوصیات شخصیتی (حسینی ۱۳۷۰) مکان کنترل (فراهانی ۱۳۷۲) جو عاطفی خانواده (انصاری ۱۳۷۵) موقعیت اقتصادی اجتماعی خانواده (شلویری ۱۳۷۷) روش تدریس و جو عاطفی کلاس (فراهانی ۱۳۷۲) احساس موفقیت در امتحان دروس (سیف ۱۳۷۲)

اشتغال مادران

برخی مطالعات نشان داده است که بین اشتغال مادران و پیشرفت تحصیلی فرزندان آن‌ها رابطه وجود دارد این رابطه در میان دختران و پسران متفاوت است به این صورت که دختران بیش تر از پسران از داشتن یک مادر شاغل بهره می‌برند. دخترانی که مادران شاغل دارند نسبت به دخترانی که مادرانشان شاغل نیستند، از پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی و استقلال بیشتری برخوردارند و تمایل بیشتری به اشتغال نشان می‌دهند. پسران مادران شاغل نیز در مقایسه با پسران مادران غیر شاغل از ساگاری اجتماعی و استقلال بالاتری بهره مندند، اما پیشرفت تحصیلی یا نمره‌های آن‌ها در آزمون های شناختی پایین تر است (هافمن، ۱۹۸۹).

هافمن خاطر نشان می‌سازد که دختران مادران شاغل از نظر اجتماعی یک الگوی شایسته دارند. آن‌ها به طریقی تربیت می‌شوند. که سبب افزایش اعتماد به نفس، احساس خود ارزشمندی و مستقل بودن آن‌ها

می‌شود، اما داستان برای پسران مادران شاغل به گونه ای دیگر است در خانواده‌های شاغل شغل مادر ممکن است برای پسران برداشت‌های تلویحی منفی‌ای به همراه داشته باشد. از یک سو شاغل بودن مادر ممکن است بدان معنا تلقی شود که پدر در تأمین هزینه‌ی خانواده ناتوان است و از سوی دیگر ممکن است به صورت تخطئه‌ی نقش جنسیتی مادر تفسیر شود. گفته شده که پیشرفت تحصیلی پسران مادران شاغل در مقایسه‌ی با پسران مادران غیر شاغل در سطح پایین‌تری است. نکته‌ای که باید اضافه کرد این است که این مطلب فقط در مورد پسران طبقه‌ی متوسط صادق است برعکس، در مورد خانواده‌های بسیار فقیر، پسران مادران غیر شاغل دارند. این تأثیر متفاوت اشتغال مادر احتمالاً ناشی از عوامل متعددی است اما به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین آن‌ها نقش مادر به عنوان یک معلم است مادران طبقه‌ی متوسط نسبت به مادران طبقات پایین‌تر از تحصیلات بیشتری برخوردار بوده، می‌توانند معلم بهتری برای فرزند خود باشند و تحریک ذهنی گسترده‌تری برای وی فراهم سازند. بنابراین، اشتغال مادر، کودکان طبقه‌ی متوسط را بیش‌تر از کودکان طبقه‌ی پایین دچار کاستی می‌کند. اگر برای کودکان طبقه‌ی پایین در زمان غیبت مادر محیطی سرشار از تحریک‌دهنی فراهم شود، (برای مثال کودک را به مهد کودک مجهزی بپارند که معلمان کارآموده‌ای دارد. می‌توان انتظار داشت که مهارت‌های تحصیلی آنان پیشرفت کند. (بیابانگرد، ۱۳۸۰)

نتیجه‌گیری

تحصیلات والدین سرآغاز و زیر بنای پیشرفت جریان زندگی خانواده و جامعه است اهمیت تحصیلات صاحب نظران تعلیم و تربیت را به تلاش برای کشف مهمترین عوامل موثر در پیشرفت و یافت تحصیلی وضعیت رفتاری و درس وادار نموده است. نقش تحصیلات والدین، در تربیت فرزندان و جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها رعایت نظم و انضباط در خانه و جامعه رشد شخصیت و اعتماد به نفس و عزت نفس و دوری از لغزش‌ها، داشتن هدف در زندگی توانایی در برقراری روابط محبت آمیز و برخورد خوب و مودبانه با دوستان و همکلاسی‌ها و معلمان، پرورش احساس مسئولیت در برابر خانواده و جامعه رعایت بهداشت فردی و نظافت عمومی، نگهداری و حفظ منابع طبیعی و اموال عمومی بسیار حساس و مهم است والدین می‌توانند بدین وسیله سرمشق و الگو نمونه‌ی شایسته‌ای برای فرزند خود باشند سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است پیشرفت تکنولوژی، صنعت، بهداشت مدیون این عامل مهم است.

فهرست منابع و مآخذ

- احدیان، محمد. مقدمات تکنولوژی آموزشی. ناشر مرکز نوآوری های آموزشی در ایران. چاپ ۱۳۶۴
- اسکاگر، جان. ترجمه سلیمانپور، محمدرضا. اثر فناوری آموزشی بر موفقیت دانش آموزان. نشریه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۴۱
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۶)، مبانی روانشناختی افت تحصیلی، انتشارات مدرسه
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹)، اقتدار والدین، ماه نامه ی پیوند، انجمن اولیاء و مربیان
- امین فر، مرتضی (۱۳۶۵). «افت تحصیلی یا ائتلاف در آموزش و پرورش»؛ فصل نامه های تعلیم و تربیت؛ سال دوم، شماره ۷ و ۸
- آرمند، محمد (۱۳۷۲)، نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی، انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۱۶۸
- اکبری، ۱۳۵۶ علل ترک تحصیل در استان سیستان و بلوچستان.
- بهرام زاده، هیئت الله (۱۳۶۵). «در رابطه خانواده و افت تحصیلی در کازرون». پایان نامه فوق لیسانس؛ دانشگاه تهران
- برومند جزی، ناصر (۱۳۷۸). در بررسی علل موثر در موفقیت تحصیلی دانش آموزان مقطع آموزش ابتدایی در محدوده ی شهر اصفهان». پایان نامه ی فوق لیسانس؛ دانشکده ی روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی
- حافظی، عشرت، (۱۳۸۱)، رابطه بین انگیزش و شیوه های رویارویی یا تنیدگی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشکده تربیت معلم تهران.
- حیدری، اکرم، بلوغ، مشکلات روانی نوجوان و جوان افت تحصیلی، نشر گستر تهران. ۱۳۸۵.
- خوئی نژاد، غلامرضا. برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر - انتشارات آستان قدس رضوی - چاپ ۷۲
- خیر، محمد (۱۳۷۵). «رابطه شکست تحصیلی با زمینه ها و شرایط خانوادگی؛ مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز؛ دوره اول، شماره ی دوم
- دهقان، هادی (۱۳۹۰). «نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان»، مرکز تربیت معلم پاکتژاد یزد، مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم.
- سعدی پور (بیابانگرد)، اسماعیل (۱۳۸۹)، روش های پیشگیری از افت تحصیلی - انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- شعبانی (۱۳۶۴). «دانش آموزان ممتاز شهر اصفهان»
- شعبانی اصفهانی (۱۳۷۰) «رابطه کم سواد و بی سواد والدین».
- عطاران، محمد (۱۳۸۵). مربیان بزرگ مسلمان، درباره تربیت کودک.
- محمودی نسب (۱۳۶۴)، «بررسی علل مردودی دانش آموزان سال سوم راهنمایی کرج»

- محبی (۱۳۷۷) «سواد والدین و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی منطقه چهار کرج».
- ماشین، جمیله (۱۳۷۰) «عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» فصل نامه‌ی تعلیم و تربیت؛ سال هفتم؛ شماره ۱
- نیکوکار، مهناز (۱۳۷۲)، «بررسی رابطه‌ی پیشرفت تحصیلی و تعداد افراد خانواده در گچساران» دانشگاه آزاد اسلامی
- هالت، جان (۱۳۸۷)، زمینه یا بر شکست تحصیلی، ترجمه دکتر مهشید فروغان، انتشارات قطره، چاپ سوم.

- Barnard, L. , Olivarez, A. (2007). Self-estimates of multiple, g factor and school-valued intelligences. North American Journal of Psychology, 9 (3): 501-510.
- Butzlaff, R. (2000). Can music be used to teach reading? The Journal of Aesthetic Education, 34 (3-4): 167-178.
- Butzlaff, R. (2000). Can music be used to teach reading? The Journal of Aesthetic Education, 34 (3-4): 167-178.

